

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

در جلسه گذشته بیان شد که محقق خویی (قدس سره) در ذیل مسئله هشتم عروه (که مسئله هفتم تحریر می شود) به مرحوم سید و دیگران اعتراض می کند که چرا شما این فرع لازم را ذکر نکرده و آن فرع واضح را مطرح کردید، فرعی که خیلی واضح است این است که اگر يك صبی به سمت میقات برود و قبل المیقات بالغ بشود، اینجا روشن است که باید محرم شود به احرام حجة الاسلام و اگر سایر شرایط مثل استطاعت را داشته باشد حجة الاسلام او صحیح است.

آنچه ایشان معتقد است که باید مطرح می شد این بود که اگر بعد الاحرام و قبل از شروع اعمال این صبی بالغ بشود، اگر بعد از این که به احرام حج مستحبی محرم شد و قبل از شروع اعمال این بالغ شد، حکمش چیست؟ ایشان فرمود در اینجا سه احتمال وجود دارد؛

1) يك احتمال این که بگوئیم همین حج استحبابی خودش را تا آخر تمام کرده و در سال بعد اگر استطاعت پیدا کرد حجة الاسلام انجام بدهد.

2) احتمال دوم مسئله انقلاب است؛ یعنی بگوئیم قبل از شروع در اعمال وقتی که این بالغ شد، «ینقلب إلى حجة الاسلام»؛ این حج مستحبی انقلاب به حجة الاسلام پیدا می کند.

3) احتمال سوم این بود که بگوئیم باطل می شود و باید مجدداً به میقات برگردد و به احرام حجة الاسلام واجب محرم شود. این کلمه «واجب» هم يك قيد توضیحی است؛ زیرا حجة الاسلام یعنی همان حج واجب. ایشان بعد از اینکه این سه احتمال را ذکر کردند، فرمودند برای احتمال اول و دوم دلیلی نداریم و این احتمال سوم متعین است که این بلوغ کشف از این می کند که این احرام باطل بوده است. لذا باید به میقات برگردد و مجدد محرم شود.

مرحوم والد ما فرمودند تعجب می کنیم از مرحوم خوئی؛ چرا که این فرع، يك فرع جدیدی نشد؛ زیرا این مسئله در حقیقت همان مسئله قبلی است (که اگر صبی قبل المشعر بالغ بشود این حجّش می شود حجة الاسلام) البته طبق مبنای مشهور. «قبل المشعر» می خواهد در اثناء حج باشد یا بین عمره تمتع و حج باشد یا در اثناء عمره باشد و یا قبل از عمره، بالاخره قبل از مشعر همه اینها را شامل می شود و خود مرحوم خوئی نیز به این تصریح کرده است.

بنابراین، با وجودی که خود مرحوم خویی تصریح می کند که اگر قبل از مشعر بالغ شد و فرقی بین این صور نمی کند، این فرضی هم که الآن مطرح می کنید یکی از مصادق همان است و يك فرع تازه ای نشد. به بیان دیگر، هر کسی که این مسئله را مطرح کرده

که اگر صبی قبل از مشعر بالغ بشود اینجا حجّش می‌شود حجة الاسلام، شامل این فرضی هم که شما فرمودید هم می‌شود.

ارزیابی اشکال والد معظّم (قدس سره) بر مرحوم خویی

در اینجا باید دید که آیا اشکال مرحوم والد ما بر محقق خویی (قدس سره) وارد است یا خیر؟ اینجا يك احتمالی وجود دارد که البته خود مرحوم والد ما نیز به این احتمال توجه داشتند و آن این است که شاید مرحوم خویی بخواهد این‌گونه بگویند که بین وقوع بلوغ در اثناء عمل و وقوع بلوغ قبل شروع العمل فرق وجود دارد. آنچه قبلاً مطرح شد (که اگر صبی قبل المشعر بالغ بشود)، این جایی است که بلوغش در حین عمل باشد؛ حال در حین عمل در اثناء حج باشد یا بین عمره و حج باشد و یا در اثناء عمره باشد.

اما این فرعی که الآن مطرح می‌کنند این است که صبی بعد الاحرام و قبل شروع الاعمال که هنوز عملی انجام نداده و فقط محرم شده است (هنوز نه طوافی انجام داده نه سعی‌ای). احرام تقریباً موضوع برای این اعمال است. شاید محقق خویی (قدس سره) بخواهند بگویند چون قبل از شروع اعمال است این بلوغ کاشف است از این که این احرام باطل است. البته ایشان باید بطلان را اثبات کند.

منتهی در جواب از مرحوم والد و در دفاع از مرحوم خویی می‌گوئیم فرق وجود دارد و فرق آن است که اگر در حین الاعمال در اثناء عمل باشد يك مقدار عمل را در حال صبی بودن به عنوان حج مستحبی انجام داده، اما حالا می‌گوید: «ینقلب إلى حجة الاسلام»، اما این فرقی که الآن مطرح می‌کنند قبل شروع الاعمال است.

به دیگر سخن، ممکن است محقق خویی (قدس سره) بگویند آن روایات اعتناق عبد یا روایات «من ادرك المشعر فقد ادرك الحج»، مسلماً این روایات در جایی است که عمل را شروع کرده باشد، حال در اثناء عمل مولا يك عبد را آزاد می‌کند و در اثنای عمل دیگر فرق نمی‌کند که وسط عمره باشد یا بین عمره و حج باشد و یا وسط حج باشد، باید قبل المشعر باشد. این روایات دیگر شامل جایی که قبل از شروع عمل (که هنوز عمل را شروع نکرده و می‌تواند دوباره به میقات برود تا محرم شود) نمی‌شود و این شخص باید دوباره برگردد و به حجة الاسلام محرم شود و اعمال را انجام بدهد.

البته باید توجه داشت که احرام، عمل حساب نمی‌شود، بلکه شرط است آن هم شرط لبّی، از این روست که اگر کسی اعمال حج را انجام داد و بعد یادش افتاد که محرم نشده، می‌گویند اعمال او و حجّش صحیح است.

مرحوم والد ما به این مطلب توجه داشته و می‌فرماید: «الا أن يستثنى من حکم العبد خصوص ما اذا اعتق بعد الاحرام و قبل الشروع فی اعمال العمره»^[1]؛ ایشان می‌گویند کسی بگوید این که اگر مولا عبد را آزاد کند قبل المشعر، این حجّش می‌شود حجة الاسلام يك استثنا دارد و آن جایی است که بعد الاحرام و قبل الاعمال آزادش می‌کند، اینجا باید دوباره برگردد و به احرام جدید محرم شود.

بنابراین به نظر ما جای این احتمال وجود دارد که کسی فرق بگذارد به این صورت که مفروض روایات اعتناق عبد و «من ادرك المشعر»، مسلماً جایی است که عمل شروع شده است. حال اگر مبنای آخوند را بگوئید که قدر متیقن در مقام مخاطب باشد اینجا وجود دارد، اگر بگوئیم يك قرینه حالیه‌ای وجود دارد؛ یعنی مجموعاً فهم عرفی از این روایات همین است که کسی عملی را شروع کرده و مولا عبد را در اثناء عمل آزاد می‌کند.

بدین‌سان، می‌توان این را به عنوان وجهی برای دفاع از مرحوم خویی ذکر کرد که شاید در ذهن ایشان بین اعتناق یا بلوغ قبل از

شروع در اعمال با اعتناق و بلوغ در اثناء عمل فرق دارد. در اینجا که عمل را شروع کرده الآن طواف مستحبی انجام داده، الآن اینجا معنا ندارد بگوئیم اینها باطل است و دوباره برگردد، اما در آنجا قبل از عمل است، فرض کنید پنج دقیقه بعد از احرام بالغ شده، این می‌تواند دوباره به میقات برگردد و محرم شود.

عمده این است که آیا این مطلب را (که مراد مرحوم خوئی آن است که بگوئیم چون قبل العمل است و آن روایات اعتناق و روایات «من ادرك»، شاملش نمی‌شود، باید به میقات برگردد تا مجدداً محرم شود)، می‌توان در دفاع از ایشان گفت یا خیر؟ ایشان در اینجا يك قیاسی می‌کند و آن این که می‌فرماید: «لو علم بالبلوغ بعد یومین»؛ الآن صبی به میقات رفته و علم دارد که دو روز دیگر بالغ می‌شود، آیا با فرض این که علم دارد دو روز بعد بالغ می‌شود (استطاعت هم دارد)، می‌تواند نیت حج استحبابی کند؟ نظر ایشان این است که نمی‌شود. حال به جای دو روز بگوئیم دو ساعت دیگر، می‌داند بعد از احرام دو ساعت بعد بالغ می‌شود، او نمی‌تواند نیت حج استحبابی کند، بلکه باید نیت حجة الاسلام کند.

ارزیابی دیدگاه محقق خویی (قدس سره)

در اینجا باید دید که این مطلب که بگوئیم کسی که علم دارد دو روز دیگر بالغ می‌شود، حتماً باید به عنوان حج بالغ و حجة الاسلام نیت کند، آیا درست است یا خیر؟ به بیان دیگر الآن يك کسی علم دارد که دو ساعت بعد بالغ می‌شود، آیا از همین الآن می‌تواند به نیت بالغ و به عنوان فعل واجب قصد وجوب کند؟ یا این که باید صبر کند تا بر او واجب شود هر چند علم دارد که دو ساعت دیگر بالغ می‌شود، اما الآن شرط نیت وجوب را (که بلوغ است) ندارد و می‌تواند نیت استحبابی کند.

مرحوم خوئی این مطلب را بسیار مسلم می‌گیرند در اینجا که اگر کسی علم به بلوغ دارد، حق ندارد نیت احرام صبی و احرام مستحبی کند، بلکه باید صبر کند. حتی از ظاهر عبارت ایشان استفاده می‌شود از همین حالا می‌تواند نیت وجوب کند. در اینجا روایتی در این باره نداریم، بلکه باید طبق ضوابط و قواعد دید که يك کسی علم دارد به این که چهار روز دیگر یا دو روز دیگر بالغ می‌شود، آیا الآن بر او واجب است که به عنوان حجة الاسلام نیت کند و محرم شود.

به نظر ما، این شخص که الآن بالغ نشده و وجهی ندارد که به عنوان حجة الاسلام محرم شود، پس می‌تواند به عنوان حج مستحبی محرم شود و بعداً که بالغ شد، شك می‌کند که آیا حج مستحبی قبلی اش واجب شده یا خیر؟ صحّت آن حج استحبابی و لزوم استمرار آن را استصحاب می‌کند.

بنابراین، خود این مطلب (یعنی «مقیس علیه» که ایشان ما نحن فیه را به آن قیاس کردند) اولاً محل اشکال است و گویا ایشان مفروض و مسلم گرفته است که اگر کسی می‌داند دو ساعت دیگر بالغ می‌شود، حق ندارد به عنوان حج مستحبی محرم شود، بلکه باید به عنوان حجة الاسلام محرم شود. به نظر ما دلیلی بر این مطلب وجود ندارد.

بر فرض هم که این سخن ایشان (یعنی «مقیس علیه») را در اینجا بپذیریم؛ یعنی بگوئیم در صورتی که علم دارد که در آینده نزدیک بالغ می‌شود، نمی‌تواند حج مستحبی انجام بدهد و باید حج واجب انجام بدهد، اما در اینجا فرض ما این است که این صبی بعداً بالغ شده و اصلاً از قبل علم به بلوغ نداشته است، بلکه بعد از این که احرام بسته و قبل شروع الاعمال بالغ شده است. بنابراین، به چه دلیل ما این را به آن قیاس کرده و بگوئیم این نیز حکم همان را دارد.

به بیان دیگر، ممکن است بپذیریم در جایی که کسی می‌داند دو ساعت دیگر بالغ می‌شود، باید از ابتدا به عنوان شخص بالغ حجة الاسلام را نیت کند، اما الآن فرض ما این است که این صبی نمی‌دانسته که به زودی بالغ می‌شود و به حج مستحبی محرم می‌شود. حال دو روز بعد در مکه می‌خواهد طواف انجام بدهد آنجا بالغ شد، ما اگر می‌گوئیم این شخص نیز حکم همان کسی را

دارد که علم به بلوغ دارد، این قیاس است. ایشان برای این که بفرماید این بلوغ موجب ابطال بوده و کاشف از این است که آن احرام باطل است، هیچ راهی غیر از این قیاس ندارند.

جمع‌بندی و بیان دیدگاه برگزیده

از مرحوم خوئی سؤال کنیم که چرا بلوغی که بعداً می‌آید، کاشف از این است که احرام مستحبی باطل بوده؟ می‌فرماید: «لأنه لو علم حال الاحرام بانه يبلغ بعد يومين مثلاً»، اگر نیت استحبابی کرد باطل است، پس این يك نیت باطل کرده و الآن فهمیده که نیتش باطل بوده، پس احرامش باطل است و باید مجدد از میقات محرم بشود. ما عرض کردیم شما می‌خواهید قیاس کنید و دلیلی بر این که با آمدن این بلوغ این احرام باطل است و کشف از بطلان می‌کند نداریم.

بدین‌سان، کاشف از بطلان در اینجا نداریم. دو راه باقی می‌ماند؛ یا باید قائل به مسئله انقلاب شویم؛ یعنی بگوئیم روایات «من ادرك المشعر فقد ادرك الحج» حتی شامل آنجایی که کسی عمل را هم شروع نکرده باشد می‌شود، در اینجا هم الآن که بالغ می‌شود، پس قطعاً «ادرك المشعر بالغاً» و خود به خود انقلاب به حجة الاسلام پیدا می‌کند که دیدگاه برگزیده ما نیز در گذشته همین بود. به نظر ما روایات «من ادرك» يك توسعه‌ای دارد و شامل این مورد نیز می‌شود.

اما اگر کسی بگوید: این روایات يك چنین توسعه‌ای ندارد، می‌گوییم این روایات مربوط به اثناء عمل است و باید عمل را شروع کرده و باید از طواف به بعد باشد. در مرحله بعد صحّت این حج استحبابی را استصحاب می‌کنیم؛ یعنی احرام بسته به احرام حج استحبابی. به بیان دیگر، الآن قبل از اعمال بالغ شده، شك می‌کنیم این بلوغ مبطل است یا خیر؛ استصحاب صحت کرده و می‌گوئیم قبل از بلوغ احرامش صحیح بوده و الآن هم صحیح است و در اینجا موضوع نیز تغییر نکرده است.

نتیجه آن که، بر اساس دیدگاه برگزیده مسئله انقلاب و توسعه در روایت «من ادرك» را قبول داریم و در اینجا حجّ مستحبی او به حجة الاسلام تبدیل می‌شود. بنابراین، اگر صبی بعد الاحرام و قبل الاعمال بالغ شد، «ينقلب إلى حجة الاسلام». حال اگر کسی این توسعه را قبول نکرد (بالآخره می‌خواهیم تأکید کنیم بر این که بلوغ نمی‌تواند کاشف از بطلان باشد)، دو موضوع مغایر می‌شود؛ یعنی بگوئیم قبل العمل را قیاس کنیم به اثناء آن؛ زیرا ممکن است شارع آن اعمال قبل از بلوغ را تخفیفاً لحاظ کند و دیگر نمی‌خواهد احرام را انجام بدهد، اما در جایی که صبی هیچ عملی را انجام نداده، در آنجا باید به میقات برگردد و محرم شود.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1] □ «فإذا كان هذا حال العبد و الملاك هو حصول الحرية في أحد الموقفين فيكون حال الصبي أيضا كذلك لانه لا فرق بينهما الا ان يستثنى من حكم العبد خصوص ما إذا اعتق بعد الإحرام و قبل الشروع في اعمال العمرة في حج التمتع و من الواضح انه لا وجه لهذا الاستثناء بعد كون الضابط ما ذكر خصوصاً بعد تصريحه هنا بأنه إذا بلغ بعد إتمام العمرة يجب عليه الرجوع الى الميقات للإتيان بالعمرة ثانياً و ان كان مستند الحكم بالاجزاء في الصبي هي الروايات الدالة على ان من أدرك المشعر فقد أدرك الحج فقد عرفت ان مقتضاها أن إدراك المشعر و ان كان مقروناً بفوات عرفات يوجب إدراك الحج فالميزان هو إدراك المشعر سواء أدرك الوقوف بعرفات أم لا و من المعلوم تحققه في المقام لا لان له خصوصية بل لانه من مصاديق الفرع المتقدم.» تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - الحج؛ ج1، ص73.